

مدارا با دشمنان از دیدگاه آیات و روایات

فاطمه خانی مزرعه عسکر^۱

چکیده:

در بررسی قرآن کریم و روایات و سیره پیشوایان دین به دست آمد که مدارا و نرمش یک اصول مهم در دین است و به کارگیری آن یکی از عوامل گسترش اسلام بوده است. مدارا به معنای نرمی، رفق، ملایمت، بردباری نمودن و سازگاری نشان دادن است. دشمنان همواره با بهره گیری از همه ی ابزار های ارتباطی سعی داشته اند که اسلام را دین خشونت و مسلمانان را خشونت گرا معرفی کنند و از طرفی ادعای مذاکره و تعامل با حکومت های اسلامی داشته اند. لذا لازم است مسلمانان رفتار های مداراگونه خود را با دشمنان بر اساس ضابطه و قانون الهی و سیره ی ائمه اطهار بوده باشد، بنابراین آگاهی از این ضوابط برای جلوگیری از افراط و تفریط لازم بود، چنان که ترک این اصل، از ناهنجاری و خشونت سر آورد، اجرای فراتر از حد آن نیز، به یک پدیده ضد ارزشی یعنی مداهنه و سازشکاری در حق تبدیل شد. این مقاله با استفاده از آیات و احادیث و سیره ائمه ی اطهار علیهم السلام تعریفی دقیق و درستی از مدارا و تفاوت آن با مداهنه را بیان کرده است و در بخش بعدی حدود و مرز های آن را معین کرده است، که ازجمله ی آن؛ حفظ اصول و ارزشها، واقع نگری، برخورد با دشمنان، حفظ نظام و حکومت اسلامی، اجرای حدود الهی و ... را می توان بیان کرد. سپس شاخص های مدارا مانند: سعه صدر همراه با سخن ملایم، عدم توهین و هتک حرمت، سعه صدر علمی، ... را مشخص کرده است و در پایان مصادیقی از سیره عملی پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان را بیان کرده است.

کلیدواژه: حد و مرز، شاخص، کیفیت، مدارا، مصداق

^۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه حضرت زینب(س)

مقدمه:

اسلام دین جامع و کاملی است که برای تمام امور حیات دنیوی و اخروی ، ابعاد فردی و اجتماعی انسان برنامه دارد. قرآن برای اجتماع بشری دستوراتی دارد که عمل به آنها علاوه بر کسب آرامش و آسایش و بهبود روابط اجتماعی در حیات دنیوی ، سعادت اخروی را نیز فراهم می سازد.

مدارا به عنوان اصول اخلاقی اجتماعی از جمله ی این دستورات اسلامی است، که در سیره ی عملی رسول خدا و به تبع آن در حضور و حیات جانشینان معصوم ایشان در تعاملات اجتماعی نقش ویژه ای ایفا می نماید.

مدارا به معنای نرم خویی، رافت، ترک زور و خشونت در سخن و عمل در برابر مردم در تمام حالات می باشد. پرداختن به این مسئله بنیادی و کاربردی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا ممکن است برخی از افراد سطحی نگر، با اجرای قانونی از قوانین الهی؛ اسلام را دین خشونت معرفی کنند یا برخی آنقدر آسان گیری افراطی را به نام اسلام تبلیغ کنند که جایی برای دفاع از اصول و ارزشها باقی نماند. لذا اگر در جامعه ای این اصول ارزشمند به درستی فهمیده شود و در جای خود استفاده شود از بسیاری از کج روی ها، از جمله: مداهنه، کینه توزی و دشمنی، قطع روابط جلوگیری خواهد شد.

در باب موضوع مدارا در سال های اخیر نوشته های فراوانی نگاشته شده است که در اینجا چند مورد از آن را معرفی می کنیم: کتاب مدارا (امام خمینی (ره) و مفاهیم اخلاقی نوشته محمد حسین روزبه ، این اثر به موضوع مدارا با الهام از فرمایشات امام خمینی (ره) می پردازد و در پایان نامه رفق و مدارای پیامبر اعظم(ره) با دشمنان از منظر قرآن و روایات نوشته مریم سلحشوری به مبنای مدارا و آثار آن و شیوه های عملی مدارا و عدم مدارای پیامبر در برخورد با دشمنان پرداخته است و مقاله ابعاد مفهومی مدارای سیاسی در جامعه اسلامی با تاکید بر سیره عملی آیت الله مهدوی کنی به بررسی هدف از مدارا و حد و مرز و همچنین شاخص های آن در سیره آیت الله مهدوی کنی می پردازد.

پژوهش حاضر در صدد است با مبنا قرار دادن قرآن و سیره و سنت پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان به مفهوم مدارا و تفاوت آن با مداهنه بپردازد و سپس حد و مرز آن را مشخص می کند و بعد شاخص ها و کیفیت هایی را بیان می کند و در پایان مصادیقی از مدارای پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی (ع) و دیگر امامان معصوم را بیان می کند.

این مقاله با رویکرد توصیفی -تحلیلی نگاشته شده و در جمع آوری اطلاعات ، روش کتابخانه ای به کار گرفته شده است.

مفهوم شناسی:

یکی از امور ضروری و اساسی در پژوهش های علمی، روشن ساختن مفاهیم محوری به کار رفته در بحث است، زیرا برخی از واژگان به مرور زمان معنی اولیه خود را از دست داده و یک معنای جدیدی به خود گرفته اند یا اینکه معانی و کاربرد های لغوی و عرفی متعدد دارند، همچنین ممکن است لفظ در عین وحدت معنا، دارای چندین مصداق متفاوت بوده و یا در علوم مختلف معانی متفاوت داشته باشد؛ بدین صورت اهتمام به این مسئله علاوه بر تسهیل کشف واقع، در مواردی موجب برطرف شدن نزاع یا تغییر نظر برخی موافقان و مخالفان می شود. بنابر این در این قسمت به معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی مدارا می پردازیم:

مفهوم شناسی مدارا:

در لغت:

«مدارا از ماده ی «دَرِی» یا «دَرء» اشتقاق یافته است. «دَرِی» به معنای آگاهی و شناختی است که از راه مقدماتی پنهان و غیر معمول به دست می آید.^۱

«واژه «مدارا» که به معنای ملاطفت و برخورد نرم است اگر از «دَرِی» گرفته شده باشد با معنای اصلی آن در «دریتَ الطلبی» تناسب دارد، گویی آدمی با تحمل طرف مقابل و برخورد ملایم با او وی را در کمند محبت خویش گرفتار می سازد. اگر از «دَرء» مشتق باشد به این معناست که آدمی با برخورد ملایم خود، بدی او را دفع می کند.»^۲ همچنین «مدارا به معنای دورویی، چاپلوسی نیز آمده است»^۳.

«مدارا که در نظم و نثر فارسی شایع است در اصل «مداراه» است به زیادت تای مصدری و در لغت به معنای زیر آمده است: رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی، رفق، مماشات، شامح، بردباری، تحمل، خضوع و فروتنی ، مدارا کردن، نرمی نمودن، شفقت، ملایمت نشان دادن، تحمل کردن، بردباری نمودن و سازگاری نشان دادن»^۴.

۱. راغب، مفردات، ص ۱۶۸

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۵

۳. آذر تاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۱۹۶

۴. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۱۱۸-۱۲۰

در اصطلاح:

«مدارا عبارت از آن است که: ناگواری که از کسی به تو برسد متحمل شوی و به روی خود نیاوری، و این از جمله صفتی است که آدمی را در دنیا و آخرت به مراتب بلند و درجات ارجمند می‌رساند و اغلب کسانی که در دنیا به مرتبه عظیم رسیدند از این صفت جلیله است.»^۱

همچنین در فرهنگ فارسی آمده است که: «انسان از طریق رفتار ملایم و لطیف، سرانجام؛ معاند را به مخالف و مخالف را به موافق و موافق را به رفیق تبدیل کند.»^۲

«در تعریف امام خمینی (ره) مدارا به معنای تحمل عقاید و افراد، سعه صدر علمی در حقوق انسان‌ها، برخاسته از یک فضیلت انسانی و اخلاقی (عفو و گذشت و روح اخوت) و مبتنی بر نگاه هدف‌دار به هستی جهان و نگاه مهربانانه به انسان و ملاحظه انسان در ارتباط با مبدا و معاد در چارچوب تربیت است.»^۳

تفاوت مدارا با مداهنه:

«در متون دینی اسلام علاوه بر واژه مدارا، لفظ مداهنه نیز به کار رفته است؛ در این متون بر عکس مدارا به شدت از مداهنه با دیگران نهی شده است. (مداهنه از «دهن» گرفته شده است و به معنی مصالحه، سازشکاری و نرمش در حق به کار می‌رود.)»^۴

«دهن به معنای روغن و ادهان به معنای روغن مالی است که اصطلاح فارسی آن (ماست مالی) می‌باشد. این واژه کنایه از نرمی و روی خوش نشان دادن در جایی است که نباید روی خوش نشان داد و نرمی کرد.»^۵

«سازش و مداهنه کوتاه آمدن در اصول و مصالح اسلام برای کسب منافع شخصی یا گروهی است. در صورتی که مدارا کوتاه آمدن در منافع و مضار شخصی یا کوتاه آمدن برای کسب منافع و مصالح عمومی و اسلامی است.»^۶

خداوند متعال در سوره قلم به این موضوع پرداخته است «که کفار و مشرکین دوست داشتند که پیامبر در ابلاغ دین و پیاده کردن احکام الهی با آن‌ها کوتاه بیاید اما هیچ‌گاه پیامبر (ص) کوتاه نیامدند.»^۱

^۱ . نراقی، معراج السعاده، ج ۱، ص ۲۵۱

^۲ . آذر تابش، فرهنگ معاصر فارسی - عربی، ص ۱۹۶

^۳ . روزبه، مدارا، ص ۷۱

^۴ . راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۷۲

^۵ . طبرسی، مجمع البیان ج ۵، ص ۳۳۴

^۶ . خان بیگی، بررسی و تحلیل سیره پیامبر با تاکید بر رفتار دشمنان، ص ۹

مداهنه بر خلاف مدارا به معنای کوتاه آمدن از اعتقادات و باور هاست، یعنی در حقیقت کوتاه آمدن از هدف. «در عین اینکه مدارا با فاسقان و کفار مباح است و چه بسا مستحب، اما نباید مدارا تبدیل به سازگاری بیش از حد شود که حرام است. زیرا که مدارا بذل دنیا است به صلاح دین یا دنیا و سازشکاری بذل دین است برای صلاح دنیا و این در سفارشات معصومین جایز نیست.»^۲

امام صادق (ع) می فرمایند: «و اقطع عمن نسیک و صَلَّتهُ ذکر الله و تشغلك الفته عن طاعة الله فان ذلک من اولیاء الشیطان و اعوانه الصحبہ تُؤثر ولا یجملنک رویتهم علی المداهنه عند الخلق فان فی ذلک الخسران العظیم؛^۳ قطع کن اختلاط را با کسی که اختلاط او موجب فراموشی از حق تعالی می باشد و الفت و موانست با او مانع اطاعت و بندگی خدا باشد. زیرا که اینها از اولیا و مرد کاران شیطان هستند و هر که با اینها مصاحبت و مجالست کند مثل ایشان می شود و نباید دیدن این جماعت تو را به مصالحه کردن نزد خلق وادارد زیرا دیگران که این مسامحه و هم نشینی تو را ببینند دلیر می شوند در مصاحبت با آن ها و این خسران بزرگی برای آنان است.»

غزالی در بیان تفاوت میان مدارا و مداهنه می گوید: «اگر به هدف سالم ماندن نیت و اصلاح برادرت از خطای طرف چشم پوشیدی، این مدارا است اما اگر به هدف بهره برداری شخصی و رسیدن به خواسته های درونی و حفظ مقام و موقعیت گذشت کردی این مداهنه است.»^۴

بنابر این حقیقت مداهنه کوتاه آمدن در حق، سازش کردن، پیرو و همراه جریان ها گردیدن و تن به باطل دادن است و بی گمان در جایی که مداهنه حاکم باشد حتی برپا نمی شود و چیزی به درستی سامان نمی یابد بلکه جامعه گرفتار سازشکاری، باطل پذیری، ریا کاری و عوام زدگی می شود. در هیچ آیه و روایتی به مداهنه سفارش نشده است بلکه به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است.

حد:

در بررسی آیات و روایات و سیره پیشوایان دین به دست می آید که مدارا و نرمش اصل جاری اسلامی و ارزش مسلم قرآنی و از عوامل گسترش اسلام در جهان بوده است. ابتدا باید بررسی کرد که ظرفیت جریان مدارا و نرمش تا چه حد است؟ آیا یک اصل مطلق است؟

۱. قلم، ۹

۲. کمره ای، آداب معاشرت، ج ۲، ص ۳۹

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۸

۴. غزالی، احیاء علوم دین، ج ۵، ص ۱۸۴

- «در کربلا وقتی شمر بن ذی الجوشن شروع به اهانت به امام حسین(ع) کرد، یاران ایشان خواستند او را بکشند، اما امام حسین جلوی آن ها را گرفته و با دشمن مدارا کرده و فرمودند که نمی خواهند آغازگر جنگ باشند.»^۱
- «امام کاظم (ع) نیز در برابر مخالفان خود بسیار مدارا می کردند. چنانچه وقتی ایشان در مدینه بودند، مردی از فرزندان عمر بن خطاب ایشان را می آزد و به ایشان و حضرت علی (ع) دشنام می داد. یاران امام (ع) گفتند: ما را واگذار که این شخص فاجر را بکشیم اما ایشان به شدت از این کار آن ها را نهی کردند و در عوض رفتاری بسیار مداراگونه با او کردند تا اینکه او از کار خود پشیمان شده تاحدی که در جمع دوستانش دعوت به امام کاظم (ع) می کرد.»^۲
- بکر بن صالح می گوید: « دامادم به امام جواد نوشت: پدرم مرد ناصبی و بد اعتقادی است و از جانب وی با شدائد و زحمتی چند روبه رو گشته ام ، در صورت صلاحدید در باره ام دعا کنید و بیان فرمایید که نظرتان در این باره چیست؟ آیا با وی به دشمنی و پرخاش برخیزم یا مدارا کنم؟ حضرت در پاسخ نوشتند: نوشته ات را فهمیدم و به آنچه درباره پدرت یاد کرده ای پی بردم و انشا الله درباره تو دست از دعا نمی کشم و مدارا برای تو بهتر از دشمنی و پرخاشگری است و همراه با هر مشکلی آسان است، صبر را پیشه ساز که عاقبت از آن پرهیزگاران است، خداوند تو را بر ولایت آن کس که ولایتش را پذیرفته ای ثابت بدارد، ما و شما در امانت خدائیم که اماناتش ضایع و تباه نگردد. بکر گوید پس از آن خداوند دل پدر او را مطابق میل وی برگرداند به طوری که در هیچ چیز با او مخالفت نمی ورزید.»^۳

^۱ . همان، ج ۵، ۴۵

^۲ . همان، ج ۴۸، ص ۱۰۲

^۳ . نوری، مستدرک وسائل، ج ۹، ۳۵

نتیجه گیری:

مدارا یکی از اصول اخلاقی است که در بهبود روابط اجتماعی نقش مهم و اساسی دارد. لذا از تاکیدات قرآن کریم بوده و پیامبر و دیگر ائمه معصومین همواره در زندگی پر برکت خود بدان عمل کرده اند و آن را منش و روش خود قرار داده اند و با مدارا و گذشت شناخته می شوند. اگر جامعه ای از این اصل ارزشمند به درستی و به جا استفاده شود از بسیاری انحرافات اخلاقی و ناهنجاری های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و ... جلوگیری می شود و با جوامع دیگر ارتباط درستی برقرار نمود.

مدارا به معنای نرمی، رفق، ملایمت، بردباری نمودن و سازشکاری نشان دادن است و تفاوت مداهنه با مدارا این است که سازش و مداهنه کوتاه آمدن در اصول و مصالح اسلام برای کسب منافع شخصی یا گروهی است. در صورتی که مدارا کوتاه آمدن در منافع و مضار شخصی یا کوتاه آمدن برای کسب منافع و مصالح عمومی و اسلامی است.

این اصول اجتماعی- اخلاقی بی شک یک اصل مطلق نیست و حتما دارای حدودی است که حدود آن از جمله این موارد است: حفظ اصول و ارزشها: مدارا ابزاری است برای نمایش درست و بهتر حق و حقیقت، نه بهانه ای برای زیر پا گذاشتن حقیقت برای رسیدن به اهدافی چون رضایت خلق یا منافع شخصی. قرآن کریم همواره هشدار می دهد که حوزه های اصول و ارزشها هیچ گونه تسامح و سازشی را بر نمی تابد و هر گونه پیشنهاد سازش و معامله بر سه اصول را مردود دانسته است و دیگری واقع نگری در برخورد با دشمنان: گرایش به حق و پابندی به اصول منافاتی با در نظر گرفتن شرایط وضعیت اجتماعی ندارد. مهم آن است که توجه به شرایط و اوضاع اجتماعی نباید از آن حد بگذرد که انسان را به خشونت بکشاند یا اینکه به مصالحه بر سر اصول و حقایق سوق دهد. حفظ حکومت و وحدت اسلامی: یکی از مرزهای مدارا است. تا آنجایی باید مدارا کرد که نظام حکومت اسلامی و وحدت مسلمانان به خطر نیفتد و مرز دیگر اجرای حدود الهی است. در آیات و سیره اهل بیت با آنکه به مدارا سفارش های فراوانی شده است ولی این مدارا در اجرای حدود الهی جایگاه ندارد و مدارا در امور شخصی مرز دیگری است که برای مدارا تعیین شده است. مدارا تا آنجا که مسائل اصولی اسلام و مصالح عمومی مردم صدمه ای نزند و در حیطه شخصی باشد جایز شمرده شده است. حد دیگر مدارا حفظ عزت نفس انسان تعیین شده است تا بدان جا اجازه ی مدارا با دشمنان داده شده است که موجبات شکستن عزت نفس انسان فراهم نگردد و باعث تقویت جبهه باطل نشود. مرز دیگری که برای مدارا تعیین شده است تا زمانی است که دشمن قصد تهاجم و حمله نداشته باشد و ضد مسلمانان توطئه نکند.

حال با مشخص شدن مرز های مدارا باید بدانیم شاخص ها و کیفیت مورد نظر اسلام در مورد مدارا چیست؟ یکی از صفاتی که برای مدارا مطرح شده است همراه بودن آن با مهربانی و صبر و نرمی در سخن و اخلاق نیک می باشد که وسیله ای موثر در تربیت انسان ها و مدارای با مردم است.

شاخصه دیگر عدم توهین و هتک حرمت است. دشنام و توهین از جمله مواردی است که باب تفکر و تعقل را مسدود می کند و کسی که به این ابزار متوسل می شود ، نشان دهنده ی ضعف و کم خردی فرد است که در آیات و سیره اهل بیت ازدوری از این کار ناپسند بسیار سفارش شده است. کیفیت دیگری که برای مدارا مطرح شده است سعه صدر علمی و گشودن فضای تعامل افکار و انظار است. دین مبین اسلام در مقام مناظره و گفتگوی علمی ، برای تبیین حق از باطل ، مدارا و تحمل سخنان مخالف را نیز امری لازم و منطقی می داند و تعصب و جمود فکری را ناپسند می شمارد .

رعایت حقوق اجتماعی -سیاسی و رعایت عدالت از دیگر شاخص های مدارا به شمار می رود و در پایان برای ملموس شدن چگونگی و حد مدارا با دشمنان نمونه و مصادیقی از مدارای پیامبر و حضرات معصومین (ع) را مطرح می کنیم از جمله: مدارای پیامبر با عبد الله بن ابی (رییس منافقان)، عفو عمومی پیامبر بعد از فتح مکه و نمونه های دیگر.

نمونه مدارای حضرت علی با دشمنان از قبیل این است که: مدارا حضرت با ابو موسی اشعری، مدارا با ناکثین و

مصادیق دیگر مدارا با دشمنان را می توان به مدارای امام حسن و امام حسین و امام کاظم (ع) اشاره کرد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱- ابن کثیر، ابو الغداء، السيره نبويه، تحقيق مصطفى عبد الواحد، ۱۳۸۴ق
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بيروت، دار الصادر، ۱۴۱۴ق
- ۳- ابن هشام، ابو محمد عبد الملك، السيره النبويه، تحقيق مصطفى سقا، انتشارات ايران، ۱۳۶۳
- ۴- آذرتاش، آذر نوش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، نشر نی، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۶
- ۵- آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، قم، ۱۳۶۶
- ۶- بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق محمودى، موسسه الاعلمى للمطبوعات، مصر، بى تا
- ۷- جوادى آملی، عبد الله، تفسير موضوعی، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵
- ۸- دهخدا، على اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامي، تهران، ۱۳۷۳
- ۹- راغب اصفهانی، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، دار العلم دار الشاميه، دمشق، ۱۴۱۲ق
- ۱۰- روزبه، محمد حسن، مدارا، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶
- ۱۱- سبحانى، جعفر، فروغ ولايت، انتشارات صحيفه، تهران، ۱۳۷۳
- ۱۲- شيخ مفيد، محمد بن محمد، الرشاد فى معرفه حجج الله على العباد، انتشارات علميه اسلاميه، بى جا، بى تا
- ۱۳- -----، الجمل و الضره، تحقيق سيد على مير شريفى، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، ۱۴۱۳ق
- ۱۴- طبرسى، ابو على فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق سيد محسن رسولى، دار الحياء التراث العربيه، بيروت، ۱۳۷۹
- ۱۵- طبرسى، ابن منصور احمد بن محمد، الاحتجاج، قم، ۱۴۱۳
- ۱۶- طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، انتشارات مرتضوى، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۷- غزالى، ابوحامد، الحياء علوم دين، دار الكتب عربى، بيروت، بى تا
- ۱۸- قرائتى، محسن، تفسير نور، مركز فرهنگى درس هاى از قرآن، تهران، ۱۳۸۳

- ۱۹- کلینی، محمد، کافی، دار الکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵
- ۲۰- کمره ای، محمد باقر، آداب معاشرت، نشر اسلامیة، ۱۳۶۴
- ۲۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق
- ۲۲- معتزلی، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق
- ۲۳- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۶
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۷۴
- ۲۵- نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، موسسه انتشارات هجرت، تهران، ۱۳۷۶
- ۲۶- نوری، میرزا حسن، مستدرک الوسائل، موسسه آل بیت، قم، ۱۴۰۸ق
- ۲۷- نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عید الباقي، دار الحیاء لتراث العربی، بیروت، ۱۳۷۵ق

مقاله:

- ۱- خان بیگی، حمزه، بررسی و تحلیل سیره سیاسی پیامبر اکرم با تاکید بر رفتار دشمنان، انتشارات حبل المتین، ۱۳۹۳
- ۲- خرازیان، محمد حسین، مدیریت رفتار با معارضین در نظام ولایی، انتشارات حدیث راه عشق، اصفهان، ۱۳۹۳